

فقه به روایت باختر

به باور «شاخ» فقه اسلامی، نمونه برجسته‌ای از تفکر بشری را ارائه می‌دهد
روزبه صدر آرا



درآمدی به فقه اسلامی
یوسف شاخ
ترجمه: پاسر میردامادی
گام نو، ۱۳۸۸

برنارد لوئیس درباره «شاخ» به درستی گفته است که او یک زبان‌شناس تاریخی نگر با تربیت و مذاق کلاسیک بود که پیوند و ثبوتی با گرایش‌های جدید در اندیشه اجتماعی داشت و پژوهش‌های او در مورد جامعه‌شناسی فقه اسلامی باید در زمره مهم‌ترین اثر دوره حاضر در سه کار بردن تکنیک‌های جامعه‌شناسی در اسلام به شمار آید.

در نوشتن این کتاب، دو دسته از خوانندگان منظور نظر بوده‌اند: دانشجویان تاریخ، علوم اجتماعی و حقوق تطبیقی از یک سو و از دیگر سو دانشجویان ادبیات عرب که می‌خواهند به تحقیق در این رشته از مطالعات اسلامی که به ویژه مهم و جذاب است، مبادرت کنند. به نظر می‌رسد دانشجویان و پژوهشگرانی که در حیطه جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دین هم به فعالیت می‌پردازند می‌توانند از مباحث کتاب حظی وافر ببرند. کتاب «درآمدی به فقه اسلامی» نوشته «یوسف شاخ» و با ترجمه و تفسیر پاسر میردامادی با چنین نیتی به رشته تحریر درآمده است. مقاله ذیل در حکم درآمدی گذرا بر این کتاب است. با این تبصره که نگاه شاخ غالباً ناظر بر فقه اهل سنت است.

درباره عبادت و مناسک و هم قواعد سیاسی و (به معنای اخص آن) حقوقی است و البته کتاب شاخ بر بعد حقوقی فقه اسلامی نظر روزی بیشتری به خرج داده است.

شاخ با در نظر گرفتن مسیر تاریخی فقه اسلامی و به ویژه با تأکید بر ساز و کارهای نظام فقهی اهل سنت، از کور راه‌ها و شاهراه‌های عرضی و طولی به طور کلی دو تغییر مسیر عمده را در تاریخ فقه اسلامی تشخیص داده است: نخست ورود نظریه فقهی‌ای که نه تنها وجود عناصری را که به‌خصوص در معنی کلمه اسلامی نبود، نادیده گرفتند بلکه آن عناصر را انکار کرده و منابع فقه را به قرآن و سنت پیامبر (ص) محدود نمودند. عمده تغییر مسیر دوم که تنها در قرن بیستم آغاز شد، قانونگذاری مدرن، از سوی دولت‌های اسلامی امروزی بود که نه تنها شارع مقدس را در زمینه‌ای که عملاً به کار می‌رفت محدود کرد بلکه در مقابل شکل سنتی خود این فقه قرار گرفت. همچنین این تقابل، شکل کشاکشی بر سر قدرت از سری نهاد‌های رقیب به خود نگرفت و خود را در قالب جایگزین شرع مقدس با حقوق سکولار نشان نداد بلکه خود را در قالب بازسازی صورت سنتی فقه نشان داد و این انگاره بنیادین که اسلام به عنوان یک دین باید حوزه حقوق را هم تحت نفوذ قرار دهد، همچنان بی‌نزاع باقی ماند.

برخلاف نظر بعضی از اسلام‌پژوهان و فقه‌پژوهان غربی‌ای که متفق‌التولید نهاد‌های حقوقی عربستان در زمان پیامبر (ص) بدوی و ابتدایی بودند، شاخ با این پیش‌داوری به شدت مخالف است و با آن می‌ستیزد؛ او بر این عقیده است که نهاد‌های حقوقی عربستان در زمان حیات پیامبر (ص) به هیچ وجه بدوی نبودند؛ نخست حقوق رایجی میان اکثریت عرب‌های بدوی وجود داشت که گرچه طبیعتاً ابتدایی بود اما

کتاب «درآمدی به فقه اسلامی» نوشته یوسف شاخ به عبارتی از مهم‌ترین متون اسلام‌شناسان غربی است که در باب فقه اسلامی به رشته تحریر درآمده است. این نکته بسیار مهم است که شاخ در این کتاب غالباً منابع و مکتوبات اهل سنت در فقه اسلامی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. پاسر میردامادی علاوه بر اینکه ترجمه‌های خوشخوان و وثیق از کتاب ارائه داده است، توانسته از منظر ناقد و مفسر هم به کندوکاو در باب مباحث مندرج در متن شاخ پردازد و از طریق اتخاذه نگرش‌های جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی، ایجاد دقیق‌تر و عالمانه‌تری به ترجمه‌اش بخشید. البته میردامادی به ترجمه قسمت اول کتاب شاخ اهتمام ورزیده است که به واقع شالوده اصلی فقه پژوهی شاخ در حوزه تمدن اسلامی را شامل می‌شود. شاخ بر پیشانی کتاب این نکته را متذکر شده است که این رساله، گزارش فهم کنونی ما از تاریخ و رؤس نظام حقوق اسلامی است.

شاخ در توضیح و تفسیر ماهیت فقه اسلامی بر این نظر است که فقه اسلامی، نمونه برجسته‌ای از تفکر حقوقی و به طور کلی تفکر بشری را در اختیار ما می‌نهد و کلیدی برای فهم سرشت یکی از بزرگ‌ترین ادیان جهان به دست می‌دهد. از این لحاظ، این کتاب درباره پدیده تاریخی منحصر به فرد فقه اسلامی است و نه درباره قوانین کنونی کشورهای خاورمیانه و دیگر اقلیم‌ها که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند. در باب سرشت خود - ویژه فقه اسلامی باید گفت که فقه اسلامی بخش دربرگیرنده تکالیف دینی است، مجموع فرامین خداوند است که زندگی هر مسلمانی را در تمام ابعادش تنظیم می‌کند؛ فقه اسلامی مشتمل بر اوامری



یوسف شاخ -

اسلام‌شناس و فقه‌پژوه
لیسنایی - یکی از بزرگان
عرصه اسلام‌پژوهی در اروپا
و مخصوصاً حوزه کشورهای
آلمانی زبان به شمار می‌رود.
او در ۲۷ سالگی به سمت
استادی کامل در زبان‌های
شرقی رسید و در حوزه‌های
زبان‌شناسی تاریخی،
جامعه‌شناسی دین و حقوق
تطبیقی دارای پژوهش‌های
سترگ و مثال‌زدنی است.
از آثار اوست: ریشه‌های
فقه اسلامی، عوامل
خارجی دخیل در فقه کهن
اسلامی، ارزیابی دوباره
احادیث اسلامی، میراث
اسلام و... او را از آخرین
و برجسته‌ترین محققان
در سنت شرق‌شناسی
اروپایی دانسته‌اند.



به هیچ وجه در قوانین و کارست‌های آن بسیط نبود. قوانین موضوعه عرب‌های قدیم پیش از اسلام، بی‌تردید، دنیوی، خشک و بی‌روح و غیررسمی است حتی حقوق جزایی‌شان منحصر به مسائلی درباره غرامت و تادیبه است. بنابراین نمی‌توان حکم کرد که عرب‌های پادیه‌نشین هم عصر پیامبر (ص) دارای هیچ گونه حقوق یا قوانین موضوعه‌ای نبودند بلکه از طریق باز شناخت اشعار و افسانه‌های قبایلی عرب می‌توان به طرح‌واره‌ای کلی از قوانین موجود در زیست - جهان اعراب بدوی آن زمان دست یافت که در جای خود مهم و قابل بررسی است.

در باب پیچیدگی‌ها و ظرایف روش‌شناسی شاخ در حوزه تحقیق فقه اسلامی باید گفت که شاخ از دو نگاه هگلی و لاکانی - فوکویی به تاریخ تن می‌زند. او دنبال‌رو و مجدد (تجدیدبنا کننده) روش تاریخ‌نگری در حوزه اسلام‌شناسی است. او خلاف هگلی‌ها به غایت یا مقصدی پیش‌نگر در تاریخ معتقد نیست و همچنین خلاف نحله فوکویی - لاکانی به عقلانیت خود ارجاع در درون هر فرهنگ هم اعتقادی ندارد بلکه از نگاه او، یک سنجه فرافرهنگی وجود دارد که فرهنگ‌های مختلف باید با آن سنجه‌شده شوند. از این لحاظ شاخ را باید جزو تاریخی‌گرایان جدید و مدرن دانست که به یک الگوی فرافرهنگی در باب عقلانیت قائل است که ریشه در دستاوردهای روشنگری و مدرنیته دارد و معتقد است که سایر ساختارها هم باید همسوا با آن سنجه‌شده شوند. بنابراین تحقیق شاخ در باب فقه اسلامی را باید متناظر با دیدگاه‌های برگرفته از مدرنیته روشنگری دانست که به نوعی حجیت عقلانیت مدرن به عنوان سنجه اعتقاد راسخی داشتند و سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و عقلانیت موجود در

در باب پیچیدگی‌ها و ظرایف روش‌شناسی «شاخ» در حوزه تحقیق فقه اسلامی باید گفت که شاخ از دو نگاه هگلی و لاگانی - فوکویایی به تاریخ تن می‌زند. او دنباله‌رو و تجدیدبناکننده روش تاریخ‌نگری در حوزه اسلام‌شناسی است

آنها را «در کنار» و «در حاشیه» متن اصلی عقلانیت اروپایی و مدرن می‌دانستند.

نکته مهم دیگری که شاخ در کتاب خود بر آن انگشت نهاده و بسیار مهم و حیاتی است، این است که آیا ما می‌توانیم عنوان حقوق اسلامی را به کار ببریم آیا در اسلام چیزی که بتوان آن را حقوق نامید وجود دارد؟ شاخ برای پاسخ به این سوال این‌گونه آغاز می‌کند که ویژگی مهم فقه اسلامی این است که همه اعمال مبتنی بر اراده و اختیار آدمی را - حتی افعالی که ما آن را حقوقی می‌نامیم - به پنج دسته واجب، مستحب، مکروه، حرام و مباح تقسیم کرده است. بر این اساس، این مفاهیم پنج‌گانه به مفاهیم حقوقی هم سرایت کرده است. نظر نهایی شاخ این است که می‌توان عنوان حقوق اسلامی را به کار برد زیرا در درون فقه اسلامی، چیزی به عنوان حقوق اسلامی وجود دارد اما جزئی از وظایف دینی است که به مولفه‌های غیر حقوقی آمیخته شده است. به نظر شاخ، گرچه حقوق در نظام وظایف دینی گنجانده شده اما موضوعات حقوقی با وظایف دینی یکسان نبوده و به وظایف دینی و اخلاقی فرو کاسته نشده و با آنها بیان نشده است؛ بلکه موضوعات حقوقی موجود در فقه اسلامی، خصیصه فنی خود را حفظ کرده و در خط سیر خود بسط یافته است.

کتاب شاخ پر از نکات، حاشیه‌ها و برش‌های معنایی و تاریخی‌ای است که احتیاج به تفسیر دوباره و چندباره و موشکافی تاریخی دقیق تری دارد که خود می‌تواند در حکم رساله مستقل دیگری باشد. گرچه میردامادی در بخش دوم کتاب به خوبی و وضوح رشته‌های متداخل کلام در رساله شاخ را بر گرفته و آنها را در قالب شرح و تفسیر بازنمایانده است اما باید بر این نکته انگشت تأیید و تأکید نهاد.

که جای این دست از آثار تاریخی - جامعه‌شناختی در زبان فارسی بسیار نادر و کمیاب است و جای اهتمام بیشتری در این حیطه وجود دارد. ناگفته نماند که «در آمدی به فقه اسلامی»، تنها یکی از آموزه‌های مذاهب سنی در فقه، یعنی حنفیه را پر رنگ تر کرده است، اما در بسط کتاب‌شناسی‌ها به نحوی که شامل دیگر مکتب‌های سنی، شیعه و اباضیه شود درنگ نکرده است. این کتاب در ۲۶۳ صفحه و از دو بخش اصلی تشکیل شده و شامل ۱۵ فصل است. در پایان برای ارائه طرح و سیر کلی کتاب، نگاهی کلی به مباحث مطرح شده در آن می‌اندازیم؛ از آنجا که فقه اسلامی مشتمل بر اوامری درباره عبادت و مناسک و نیز قواعد سیاسی و حقوقی است، این کتاب به بحث و بررسی درباره همین موضوع پرداخته است. نویسنده پس از پرداختن به فقه و معنای آن به موضوعاتی از قبیل پس‌زمینه فقه پیش از اسلام در زمان حضرت محمد (ص) و کاربرد آن در قرآن، همچنین در قرون اولیه در زمان حکومت اموی و در دوره عباسیان، نظر و عمل و کنش‌های خلوص‌گرایانه، فقه اسلامی در امپراتوری عثمانی، قانونگذاری مدرن و ... پرداخته است.

مترجم در بخش دوم کتاب به نقد و بررسی آرا و اندیشه‌های یوزف شاخ می‌پردازد. این بخش عمدتاً از ۶ فصل تشکیل شده و مترجم برای فهم بهتر اثر وی، ابتدا به بررسی موضوعاتی چون تاریخ‌نگری، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان، نگرش تاریخی یوزف شاخ به فقه اسلامی و سرشت آن پرداخته است. مترجم پس از بررسی این موضوعات، وارد موضوع طرح و بررسی آرای حدیث‌شناختی شاخ شده است. همچنین وی در نهایت ملاحظاتی در باب نگرش شاخ

به تاریخ و سرشت فقه اسلامی و وثاقت احادیث نبوی اختصاص داده است. یکی از مباحث مهمی که یوزف شاخ برای شناخت بهتر فقه اسلامی مطرح می‌کند نسبت فقه و حقوق است. در این بخش، نسبت فقه و حقوق و تفاوت این دو بررسی شده است. تفاوت‌های فقه و حقوق را می‌توان در حوزه موضوع، هدف، منابع، روش و مبانی و ... پیگیری کرد. البته نکته مهم دیگری که باید در اینجا به آن اشاره کرد، انتشار این کتاب و واکنش به آن است. گاهی اوقات کتاب‌های بی‌اهمیتی منتشر می‌شوند و واکنش به آن‌ها آن قدر زیاد است که کتاب‌خوان‌ها را به حیرت وامی‌دارد، گاهی هم کتابی مهم آن قدر در معرض بی‌توجهی قرار می‌گیرد که ضرورت نقد آثار ترجمه شده، به کلی فراموش می‌شوند. این نکته درباره کتاب حاضر مصداق دارد. از زمان انتشار این کتاب بحث‌چندانی درباره آن در این سو و آن سوندیدم. در صورتی که نیاز بود صاحب‌نظران درباره این کتاب اظهار نظر کنند و نگاه خود را به این مستشرق انعکاس دهند. اما در روزنامه‌های نقدی درباره این کتاب دیدم که خواننده این کتاب را به دو طیف تقسیم کرده و نوشته بود: «کتاب حاضر را می‌توان برای دو دسته از خوانندگان مفید و خواندنی دانست، یکی، دانشجویان تاریخ، علوم اجتماعی و حقوق تطبیقی و گروه دیگر دانشجویان ادبیات عرب به گرایش به افزایش معلومات خود در زمینه مطالعات اسلامی دارند. زیرا که فقه اسلامی نمونه برجسته‌ای از تفکر حقوقی و به طور کلی تفکر بشری را در اختیار ما قرار می‌دهد و کلیدی برای فهم سرشت یکی از بزرگ‌ترین ادیان جهان محسوب می‌شود. این کتاب درباره پدیده تاریخی و منحصر به فرد فقه اسلامی تدوین شده است.»

به نظر «شاخ»، گرچه حقوق در نظام وظایف دینی گنجانده شده اما موضوعات حقوقی با وظایف دینی یکسان نبوده و به وظایف دینی و اخلاقی فرو کاسته نشده و با آنها بیان نشده است؛ بلکه موضوعات حقوقی موجود در فقه اسلامی، خصیصه فنی خود را حفظ کرده و در خط سیر خود بسط یافته است.